روی خط حادثه

مرگ بنا روی داربست بنا

ابوعطا| یک کارگر دیگر در مشهد جان باخت. شبیه کارگرهایی که در ماه‌ها و روزهای قبل در پی حوادث کار، جان باخته‌اند. یکی از مهم‌ترین دلایل مرگ کارگران متأسفانه سقوط از ارتفاع است، موضوعی که موجب مرگ کارگری چهل‌وپنج ساله در شمال مشهد شد. این حادثه روزهای گذشته در یک ساختمان چهارطبقه در حال ساخت و پس از سقوط این کارگر بنّا، به پلیس گزارش شد. با حضور مأموران کلانتری خواجه‌ربیع در محل، بررسی موضوع نشان داد که این کارگر هنگام انجام عملیات ساختمانی به علتی نامعلوم از طبقه چهارم سقوط کرده و به علت شدت جراحات وارده جانش را از دست داده است. با تشکیل پرونده قضائی در این‌باره، جسد متوفی به سردخانه منتقل شد.

بازی سوخته قاچاقچیان سوخت

سهیل دیبا| گاراژ فعالیت قانونی‌اش مشخص بود، گذشته از پارک خودروهای سنگین چند تعمیرگاه خودرو نیز در آن فعال بودند، اما فعالیت این گاراژ از آنجا برای پلیس مهم شد که خبری محرمانه به مأموران کلانتری طرق رسید مبنی براینکه افرادی سودجو در این گاراژ اقدام به دپوی سوخت قاچاق کرده‌اند و آن را خارج از شبکه توزیع به فروش می‌رسانند. مأموران کلانتری طرق با تحقیقاتی میدانی محل مورد نظر را شناسایی کردند و پس از اطمینان از صحت موضوع با هماهنگی مقام قضائی وارد عمل شدند. تیم رسیدگی‌کننده پرونده در بازرسی از محل ۳ هزار لیتر گازوئیل خارج از شبکه توزیع فراورده‌های نفتی را کشف کردند. در ادامه فرد متخلف پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی به اداره تعزیرات حکومتی معرفی شد.

کوتاه‌تر از حادثه

قتل همسر با ضرباتِ چکش و پتک

ایلنا| مردی سی‌وپنج ساله در یکی از کلانتری‌های شهرستان خدابنده از توابع زنجان مدعی شد که همسرش را در منزلشان به قتل رسانده است. با هدایت این فرد تیم جنایی راهی محل زندگی او شدند که با پیکر بی‌جان زنی سی‌وهشت ساله روبه‌رو شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد که زن با سروصورت خونین بر زمین افتاده است. متهم به قتل اعتراف کرد که در پی اختلافات خانوادگی با ضربات چکش و پتک همسرش را به قتل رسانده است.

دنده عقب به سمت مرگ

ایسنا| روز گذشته یک پراید به رانندگی زنی چهل ساله در مسیر شرق به غرب اتوبان شهید خرازی تهران مسیر خود را گم می‌کند و برای برگشتن به مسیر اصلی اقدام به حرکت با دنده عقب می‌کند که در این لحظه یک کامیونت از پشت با این پراید برخورد می‌کند. با توجه به حضور زنی هفتادوپنج ساله در صندلی عقب این خودرو، این پیرزن در خودرو محبوس می‌شود. با حضور امدادگران و بیرون کشیدن زن کهن‌سال، معاینات نشان می‌دهد که او بر اثر شدت جراحات جان باخته است.

جهان حوادث

آتش‌سوزی مرگ‌بار در هتلی هندی

ایسنا| پلیس هند اعلام کرد آتش‌سوزی در هتلی در شهر کلکته، منجر به کشته شدن چهارده نفر شده است. با وقوع این حادثه آتش‌نشانان به محل رفتند و موفق به خاموش کردن آتش شدند. تاکنون علت دقیق وقوع این آتش‌سوزی گزارش نشده است. عکس‌ها و فیلم‌هایی که در رسانه‌های هندی منتشر شده است، افرادی را نشان می‌دهند که سعی می‌کنند از طریق پنجره‌ها و لبه‌های باریک ساختمان به بیرون فرار کنند که در این حادثه یک نفر به پایین سقوط کرده است.

تفلیس درگیر آتش‌سوزی گسترده

مهر| رسانه‌های گرجستان گزارش دادند که آتش‌سوزی بزرگی در بازار پوشاک نزدیک ایستگاه مترو «میدان واگزال» در تفلیس پایتخت این کشور رخ داده است. تصاویر و ویدئوهای مخابره شده از این منطقه، حجم آتش را بسیار بزرگ نشان می‌دهد و بخشی از آسمان تفلیس به دلیل این آتش‌سوزی آلوده شده است. هنوز گزارشی از تعداد زخمی‌ها و قربانیان احتمالی اعلام نشده است.

قاتل سوئدی با اسکوتر فرار کرد

صداوسیما| رسانه‌های محلی سوئد اعلام کرده‌اند که در پی تیراندازی در یک آرایشگاه نزدیک میدان واکسالا در مرکز شهر دانشگاهی اوپسالا مهاجم با اسکوتر فرار کرده است. این تیراندازی در آستانه جشنواره بهاری والپورگیس روی داده که جمعیت زیادی را به خیابان‌های اوپسالا کشانده بود. تاکنون مرگ سه نفر اعلام شده است. پلیس سوئد تلاش گسترده‌ای برای یافتن عامل تیراندازی آغازکرده است. این دومین حمله مرگ‌بار طی سه ماه اخیر در سوئد است.

قطع برق در اسپانیا باعث مرگ ۷ نفر شد

مهر| روز سه‌شنبه، اعضای گارد شهری اسپانیا اجساد یک زوج مسن و پسر پنجاه‌وشش ساله آن‌ها را در خانه‌شان در تابوآدلا، شهری در منطقه شمال غربی گالیسیا، کشف کردند. مقامات گمان می‌کنند که این سه نفر بر اثر مسمومیت با مونوکسیدکربن ناشی از دود ژنراتوری که در خارج از خانه‌شان قرار داده شده بود، جان خود را از دست داده‌اند. در حادثه‌ای جداگانه، مردی پس از آتش‌سوزی در یک آپارتمان، جان خود را از دست داد. گمان می‌رود آتش‌سوزی با شمعی که برای روشنایی در طول خاموشی استفاده شده بود، آغاز شده باشد. سه مورد مرگ دیگر نیز به طور غیرمستقیم با قطعی برق مرتبط بوده‌اند. این مرگ‌ومیرها در شرایط مختلفی رخ داده‌اند.

پلیس مشهد در عملیاتی پیچیده، اعضای یک باند دو نفره سرقت را دستگیر کرد

سارقان نقاب‌دار به زندان برگشتند

گزارش

سعید جلائیان
روزنامه‌نگار

از اواخر فروردین ماه بود که سروکله دو مرد نقاب‌دار با موتورسیکلتی بنفش در بلوارهای احمدآباد، فلسطین و خیام پیدا شد؛ مردان نقاب‌داری که در خیابان‌های مختلف پرسه می‌زدند و در یک چشم به هم زدنی گوشی شهروندانی را که مشغول کار با تلفن همراهشان بودند، می‌قاپیدند. جرائم سارقان نقاب‌دار که پلاک موتورشان را مخدوش کرده بودند، به همین جا خلاصه نمی‌شد. آن‌ها علاوه بر موبایل‌قاپی، یک قمه و شوکر نیز به همراه داشتند که با استفاده از آن‌ها در کوچه‌خیابان‌های خلوت، اقدام به زورگیری از شهروندان می‌کردند. تکرار جرائم این سارقان منجر به شکایت‌های سریالی شهروندان از متهمان شد. اگرچه بخش زیادی از سرقت‌ها در مناطق سناباد و خیام رخ داده بود، اما به واسطه اینکه تحقیقات اولیه نشان از تردد سارقان در منطقه احمدآباد داشت، سرهنگ محمد چراغ، فرمانده انتظامی مشهد، رسیدگی به این پرونده را به سرهنگ محمد چوپانی، رئیس کلانتری احمدآباد سپرد.

با آغاز رسیدگی به این پرونده در کلانتری احمدآباد، اتاق عملیاتی متشکل از سرهنگ چوپانی رئیس کلانتری، سروان حسن خداوردی جانشین و کارآگاه سلیمانی مسئول دایره تجسس کلانتری احمدآباد، با هدف شناسایی و دستگیری متهمان، تحقیقات گسترده‌ای را برای به دست آوردن شگرد این سارقان در محدوده و زمان سرقت‌ها آغاز کردند.

سرنخی که از روی صدا به دست آمد

بررسی‌های پلیس نشان داد بیشتر موبایل‌قاپی‌ها آن قدر سریع انجام شده است که مال باختگان نتوانسته بودند چهره سارقان را ببینند. با این حال تیم تحقیق به بررسی‌های بیشتر پرداخت تا اینکه یکی از مال باختگان سرنخ مهمی در اختیار پلیس گذاشت. این فرد که از اتباع کشور افغانستان بود، توانسته بود صدای یکی از متهمان را بشنود و به پلیس گفت که یکی از سارقان به لهجه افغانستانی صحبت می‌کرده است. این مال باخته از روی لهجه متهم، حتی محدوده زادگاه متهم در افغانستان را نیز به پلیس معرفی کرد.

در ادامه رسیدگی به این پرونده، مأموران دایره تجسس کلانتری احمدآباد با تحقیقاتی که انجام دادند، به تصویری نه چندان باکیفیت، شگرد، محدوده و زمان فعالیت سارقان دست یافتند؛ اطلاعاتی که سبب شد گروه تجسس تصمیم بگیرد برای دستگیری سارقان نقاب‌دار، از طعمه استفاده کند. تصمیمی که باعث استقرار یکی از مأموران کلانتری با قاب گوشی گران قیمت در محل تردد احتمالی سارقان شد. در روز نخست، خبری از سارقان نقاب‌دار نشد؛ اما حضور طعمه در محل، برای روز بعد هم تکرار شد.

حوالی ساعت ۲۱ پس از اینکه سی دقیقه از استقرار مأمور گذشته بود، در بی سیم پلیس، خبر احتمال حضور متهمان در خیابان احمدآباد اعلام شد. با این هشدار، مأموران در آمادگی کامل قرار گرفتند. مأمور لباس شخصی نیز در حاشیه خیابان ایستاد و با صدای بلند مشغول صحبت با قاب گوشی شد! صحبتی که به‌گوش متهمان هم رسید و آن‌ها با دیدن طعمه، تغییر مسیر دادند.

افتادن در دام پلیس

سارقان با دیدن طعمه در حاشیه خیابان، به سراغ او رفتند. راکب به سرعت موتورسیکلت افزود و ترک نشین، قاب گوشی را از دست مأمور قاپید؛ اما با توجه به وزن کم آن، متوجه شد که مشکلی وجود دارد، ولی پیش از آنکه به دوستش هشدار دهد، صدای ایست پلیس، آن‌ها را غافل‌گیر کرد. سارق با دیدن پلیس، موتورسیکلت را به سمت مخالف خیابان چرخاند و با انجام ویراژهای خطرناک در خیابان حرکت کرد.

مأموران به تعقیب آن‌ها پرداختند؛ اما به واسطه ازدحام جمعیت و ترافیک خیابان احمدآباد، امکان استفاده از سلاح و تعقیب متهمان با خودرو نبود. در همین شرایط، حرکات مارپیچ و خطرناک سارقان، کار دستشان داد و پس از برخورد با یک خودرو، نقش بر زمین شدند. اگرچه این برخورد نسبتا شدید بود و موتورسیکلت هم آسیب زیادی دید، اما سارقان با رهاکردن موتورسیکلت، از محل گریختند.

سارقان به پلیس اعلام سرقت کردند!

با وجود اینکه متهمان، توانسته بودند از محل متواری شوند، اما موتورسیکلت خود را جا گذاشتند؛ موتورسیکلتی که حوالی ساعت ۲۱:۱۰ به کلانتری احمدآباد منتقل شد. پس از انتقال، تیم تحقیق متوجه شد که مالک موتورسیکلت یک زن میان سال است. مأموران مشغول بررسی سوابق این زن بودند که مالک موتورسیکلت به پلیس اعلام سرقت کرد. این زن در گزارشی به پلیس مدعی شده بود که موتورسیکلت پسرش در خانه‌شان واقع در انتهای طبرسی شمالی پارک بوده که آن را دزدیده‌اند.

اگرچه این گزارش سبب پیچیده‌تر شدن پرونده شده بود، اما تیم تحقیق در تماس با مالک موتورسیکلت به او خبر پیدا شدن موتورسیکلتش را دادند. روز بعد زن میان سال به کلانتری احمدآباد مراجعه کرد.

در حیاط کلانتری، موتورسیکلت پسرش را دید و شروع به نفرین سارقانی کرد که این بلا را سر اموال پسرش آورده‌اند. زن در ادامه به اتاق دایره تجسس رفت و در برابر کارآگاه سلیمانی، داستان به سرقت رفتن موتورسیکلت را این‌گونه بازگو کرد: این موتورسیکلت را برای پسرم که سرباز است، خریده‌ام. این موتور در حیاط خانه ما پارک بود تا اینکه دیروز عصر، وقتی به خانه برگشتم، نمی‌دانم کدام دزد از خدا بی‌خبر، آن را دزدیده بود.

زن در پایان رو به مسئول پرونده، اضافه کرد: خدا لعنت کند این سارقان را، دیدید با موتورسیکلت پسرم چه‌کردند؟ بگیرید و پدرشان را در بیاورید. جای آن‌ها در زندان است. دستشان را قطع کنید. حالا پسرم، برای من یک وانت بگیر تا موتورسیکلت را پیش از بازگشتن پسرم که سرباز است، به خانه ببرم.

زن میان سال که انگار مطمئن بود مأموران حرفش را باور کرده‌اند، منتظر جواب بود که مسئول رسیدگی به این پرونده نیز نسبت به اظهارات زن دچار تردید شد و به او گفت فقط می‌تواند موتورسیکلت را به یک مرد بدهد. زن که انگار فکر اینجا را نکرده بود، در حالی سردرگم از کلانتری خارج شد که دو مأمور او را به صورت نامحسوس زیرنظر گرفته بودند. زن میان سال تلفن همراهش را از امانات کلانتری گرفت و همان طور که به سمت ابتدای خیابان ابوذرغفاری می‌رفت، مشغول صحبت با گوشی شد. زن میان سال حین صحبت با تلفن همراه از حرکت ایستاد و به مقابل کلانتری برگشت.

پانزده دقیقه بعد، زن میان سال به همراه یک مرد جوان وارد کلانتری شد؛ مردی که چهره‌اش با تصویر به دست آمده از متهمان متفاوت بود. او خودش را دوست نزدیک فرزند این زن معرفی کرد که برای تحویل موتورسیکلت آمده بود. مسئول دایره تجسس با دیدن مرد جوان، ترفند دیگری به آن‌ها زد. کارآگاه سلیمانی به مرد جوان چند برگه داد و به او گفت باید از تمامی این برگه‌ها و مدارک شناسایی خودش، کپی بگیرد. مرد جوان که کلافه شده بود، بدون اینکه تلفن همراهش را از نگهبانی تحویل بگیرد، از کلانتری خارج شد. به محض خروج او از کلانتری، زن میان سال دید که افسر رسیدگی به این پرونده همراه چند مأمور دیگر به قصد تعقیب مرد جوان، قصد خروج از کلانتری را دارند؛ اقدامی که زن میان سال می‌خواست مانعش شود، اما نتوانست.

مأموران در بررسی سوابق متهم متوجه شدند او باید در زندان باشد، اما از بیست روز پیش با پرداخت وثیقه یک میلیارد تومانی، از زندان آزاد شده است

آزادی ۲۰ روزه

مرد جوان که نمی‌خواست هزینه کپی‌های دوستش را بپردازد، در حالی که تحت تعقیب مأموران بود، برای گرفتن پول از دوستش به ابتدای خیابان ابوذر غفاری رفت. او از خیابان گذشت و در جایی که متهم ایستاده بود، توقف کرد. مرد جوان داشت به متهم می‌گفت که پلیس را فریب داده و خبر خوش پس‌گرفتن موتورسیکلت را به او می‌داد که مأموران متهم را در عملیاتی ضربتی، محاصره و دستگیر کردند. مأموران متهم را به کلانتری احمدآباد منتقل کردند؛ جایی که زن میان سال با دیدن پسرش او را دعوا کرد که چرا به اینجا آمده است. مأموران با مطابقت دادن متهم به دایره تجسس متوجه شدند او علی اکبر نام دارد و راکب موتورسیکلت و یکی از دو سارق نقاب‌دار است. مأموران در بررسی سوابق متهم متوجه شدند او باید در زندان باشد، اما از بیست روز پیش با پرداخت وثیقه یک میلیارد تومانی، از زندان آزاد شده است.

معرفی همدست پیش از بازجویی

هنوز بازجویی از متهم آغاز نشده بود که او رضا را به عنوان همدستش معرفی کرد. او به مأموران گفت رضا بیست سال سن دارد و همان شخصی است که روی ترک موتورسیکلت می‌نشسته است. با معرفی متهم دوم که از اتباع بیگانه بود، مأموران با هماهنگی قضایی او را در طبرسی شمالی دستگیر و به کلانتری احمدآباد منتقل کردند. هنگام عملیات دستگیری دومین سارق نقاب‌دار، علی اکبر که بیست ساله بود، در حالی که نگاه سرزنش‌بار مادرش را تحمل می‌کرد، به رئیس دایره تجسس گفت: برای اینکه اگر دوباره دستگیر شدم، بتوانم از توقیف موتورسیکلتم جلوگیری کنم، آن را به نام مادرم زده‌ام. او در ادامه اعتراف کرد که پس از آزادی در مناطق سناباد، خیام و احمدآباد، اقدام به زورگیری و موبایل‌قاپی می‌کردند و گوشی‌ها را به یک مال خر حرفه‌ای می‌فروخته‌اند.

روشدن آخرین دروغ متهم

پس از بازداشت متهمان، با اینکه آن‌ها اعتراف کرده بودند که تلفن‌های همراه را هر روز به یک مال خر حرفه‌ای می‌فروخته‌اند، مأموران با هماهنگی قضایی برای بازرسی از محل اختفای علی اکبر رفتند. متهم ابتدا مأموران را به خانه‌ای در انتهای بلوار طبرسی شمالی برد؛ جایی که مأموران پس از ورود با دو مرد جوان روبه‌رو شدند. علی اکبر آن‌ها را برادرانش معرفی کرد، اما کارآگاه سلیمانی از نگاه متعجب آن‌ها متوجه دروغ متهم شد. او بلافاصله به سراغ یک جلد شناسنامه رفت؛ شناسنامه‌ای که مربوط به پدر این دو جوان بود و در آن نام علی اکبر نوشته نشده بود. این دو جوان که نمی‌خواستند خود را درگیر پرونده متهم کنند، بلافاصله به مأموران گفتند که آن‌ها پسردایی علی اکبر هستند و خانه او دو پلاک جلوتر است. خانه‌ای که مأموران در بازرسی از آن تعدادی گوشی همراه و چند قاب گوشی کشف و ضبط کردند.

دستگیری یک مال خر فراری

متهمان در بازجویی پلیس درباره این مال خر گفتند او همیشه خودش در حاشیه شهر قرار می‌گذاشته است و ۱۰ دقیقه دیرتر می‌آمده و چیز زیادی از او نمی‌دانند. اطلاعاتی جزئی که سبب شد تا مأموران دایره تجسس کلانتری احمدآباد در عملیاتی مشترک با پلیس آگاهی مشهد، موفق به دستگیری متهم شوند. در عملیات دستگیری این مال خر که دو سال متواری بود، پلیس هفتاد دستگاه گوشی سرقتی از او کشف و ضبط کرد.

با وجود دستگیری و اعترافات متهمان، تحقیقات پلیس از آن‌ها برای کشف جرائم احتمالی ادامه دارد. شهروندانی که به تازگی از آن‌ها گوشی همراه توسط دو سارق نقاب‌دار به سرقت رفته است نیز می‌توانند برای پیگیری شکایت خود به کلانتری احمدآباد مراجعه کنند.

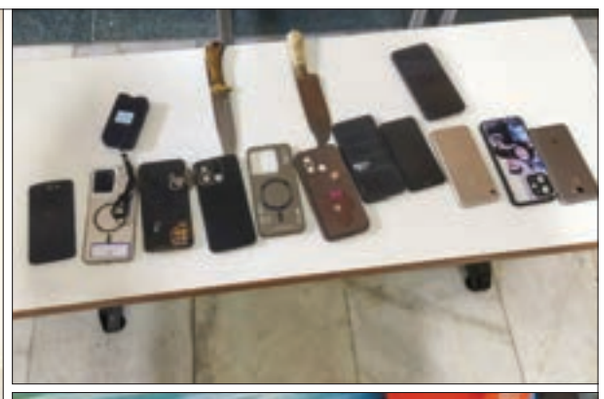

عکس اختصاصی شهرآرا
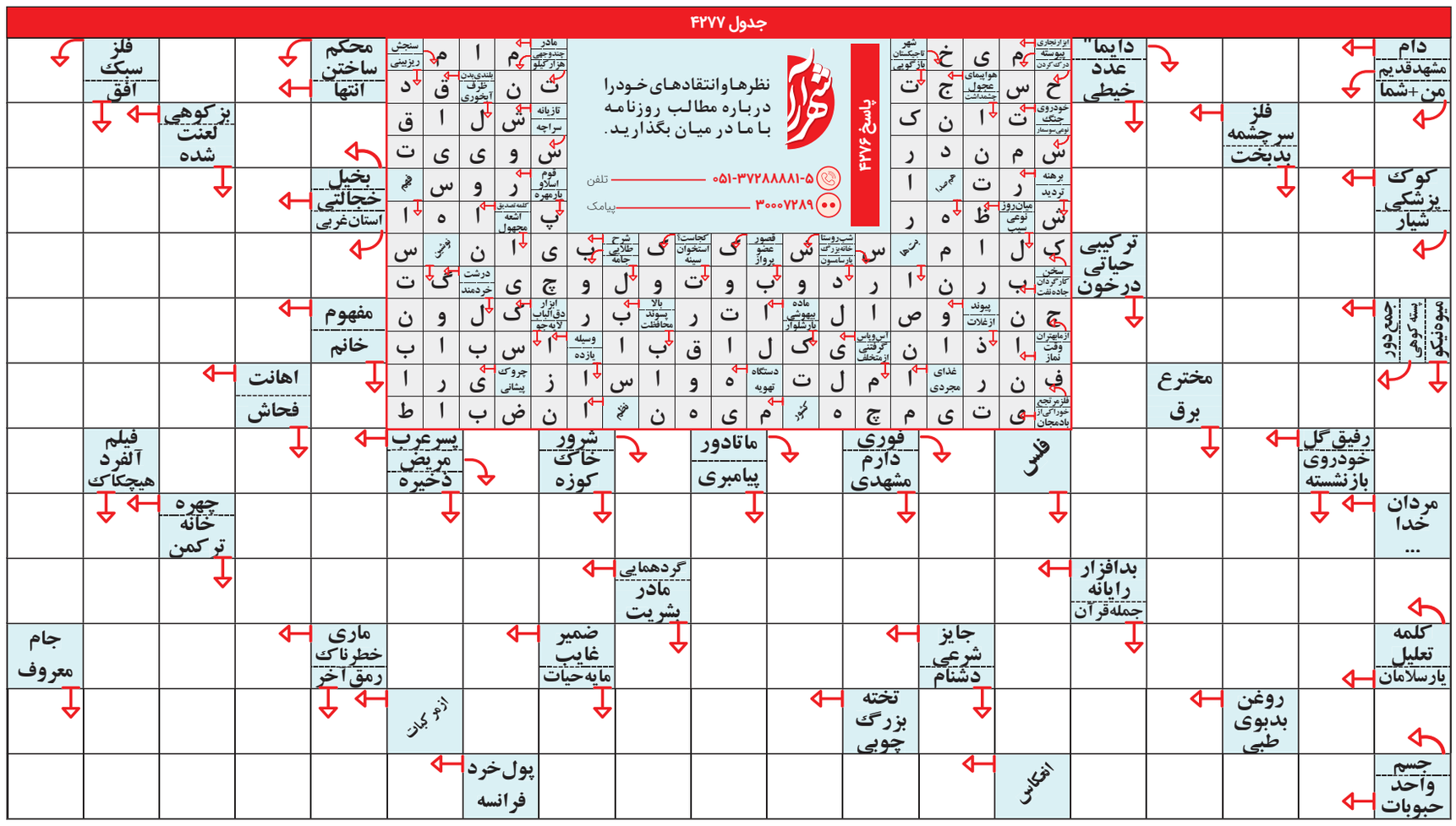
جدول ۴۲۷۷